

## موانع عمده‌ی توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

حسن نظری

دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

[h.nazari2000@yahoo.com](mailto:h.nazari2000@yahoo.com)

چکیده

رشد و توسعه‌ی اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون اقتصادی به خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و این مهم تنها در یک بستر باز و امن اقتصادی مقدور است. چرا ایران با توجه به داشتن پتانسیل لازم، در زمره کشورهای است که به لحاظ شاخص جذب سرمایه‌گذاری خارجی جایگاه چندان مطلوبی ندارد؟

در نوشتار حاضر با طرح این مساله و مفروض دانستن رشد و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی، در مقام پاسخ به پرسش آغازین در خصوص موضوع، بر آن شدیم تا به روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی، پس از طرح مساله و درآمدی بر موضوع با هدف دستیابی و شناخت برخی از مهم‌ترین دلایل و موانع رشد سرمایه‌گذاری در ایران به عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فواید و آثار مترتب ناشی از این گونه سرمایه‌گذاری‌ها و تاثیر ساختار اقتصادی بر چگونگی رشد سرمایه‌گذاری خارجی و ... بپردازیم. مختصر می‌توان گفت: مسائل و مشکلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، چالش‌های ساختاری و حقوقی و ... از عمده موانع توسعه سرمایه‌گذاری در ایران است. کلید واژه‌ها: توسعه اقتصادی، جهانی شدن، سرمایه‌گذاری خارجی، موانع سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت اقتصادی، ثبات سیاسی.

## مقدمه

امروزه جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری راهی مطمئن برای توسعه و پیشرفت اقتصادی با رشد متغیرهای واقعی چون تولید و اشتغال و فناوری است. علاوه بر این سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند راهگشای مطلوبی جهت اصلاح نظام مدیریتی و تبادل تجربیات اقتصادی و دستیابی به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات روز دنیا باشد. اهمیت این امر امروزه بیش از گذشته با روند جهانی شدن اقتصاد مطرح است.

در این باره می‌توان گفت: «کاربرد واژه جهانی شدن (Globalization) در سال‌های اخیر عمومیت یافته است اما این مفهوم به لحاظ نمودها و دلالت‌های آن مفهومی تازه نیست. بنا بر نظر رابرتسون: «مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشرده شدن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. فرایندها و کنش‌هایی که اکنون مفهوم جهانی شدن را برای آن به کار می‌بریم، قرن‌هاست که جریان دارد، اما تمرکز بر سر بحث جهانی شدن موضوع نسبتاً جدیدی است. جهانی شدن فرایندی است که نخستین نشانه‌های آن از طریق انقلاب صنعتی و انقلاب کبیر فرانسه ظاهر شد.» (زاهدی، ۱۳۸۲)

انقلاب صنعتی با تغییر شیوهی تولید، از کشاورزی به صنعتی زمینه‌های تشکیل نوعی قدرت تکنولوژیک و ورود سرمایه‌های مالی به بخش صنعتی و احداث کارخانه‌ها را فراهم ساخت. انقلاب کبیر فرانسه نیز نهادهای سنتی قدرت را به چالش کشید و زمینه‌های آزادی فردی و اجتماعی را به ارمغان آورد. به نظر می‌رسد آثار و نتایج این تغییرات به سرعت هرچه تمام‌تر دنیا را درنوردید و ایده جهانی شدن را پی افکند.

«شواهد موجود نیز نشانه آن است که جهان از طریق ادغام مهار ناپذیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و سبک زندگی به سوی همگنی و همگرایی هرچه بیشتر پیش می‌رود. از این رو، امید می‌رود که در عرصه‌ی تضارب ساز و کارهای این همگرایی که از طریق سنتز میان دو پدیده‌ی متضاد ادغام اقتصادی و تجزیه سیاسی و قومی حاصل می‌شود، سطح قابل توجهی از یک دستی زندگی اجتماعی و ادغام فرهنگی و جامعه‌شناختی ملتها نتیجه شود.» (زاهدی، ۱۳۸۲)

«جهانی شدن اقتصاد به معنای همگرایی، یکسان سازی و ادغام بازارهای اقتصادی، از جمله بازار کالا، کار، پول و سرمایه، در سطح بین‌الملل است. این پدیده، با گسترش بازرگانی بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد جریان سرمایه در سطح بین‌الملل و افزایش به کارگیری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در دو دهه‌ی گذشته، با شدت بیشتری بر اقتصاد کشورها اثر گذاشته است» (خرم، ۱۳۹۰)

## بیان مسئله

در عصر جهانی شدن اقتصاد، اهمیت جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری بر کسی پوشیده نیست به نحوی که عدم توجه یا عدم به این موضوع سریعاً روند تغییرات در توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد. رشد و توسعه اقتصادی مطلوب و همه جانبه نیازمند توجه به سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون به خصوص جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با توجه به تحولات و دگرگونی‌های جهانی و بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که بیشتر بررسی‌ها در این باره، نشان می‌دهد که "اندکی از کشورها می‌توانند بی توجه به دگرگونی‌های بین‌المللی و جهانی، سیاست‌های کارا برای افزایش رفاه، اشتغال، تولید و ... در اقتصاد داخلی خود در پیش گیرند. شاخص‌های برجسته جهانی شدن اقتصاد در سه مقوله مهم خلاصه می‌شود: دگرگونی بازرگانی بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان سرمایه و سرانجام، دگرگونی‌های تکنولوژیک. کمابیش همه کشورها برای بهره‌گیری از مزایا و دور ماندن از زیان‌های آن، اقدامات علمی و پژوهشی چشمگیر در هر سه زمینه انجام داده‌اند» (خرم، ۱۳۹۰)

در چنین شرایطی پذیرش علمی اصول جهانی شدن اقتصاد، الزام‌آور به نظر می‌رسد و بی تفاوتی و بی توجهی به آن زمینه‌های عدم توسعه اقتصادی را گسترش خواهد داد و موانع تحقق توسعه اقتصادی را جدی‌تر خواهد نمود. با این اوصاف باید پرسید، ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟ چرا ایران با وجود برخورداری از منابع و پتانسیل لازم برای سرمایه‌گذاری، تاکنون نتوانسته است سهم قابل توجهی از سرمایه‌ها را به خود اختصاص دهد؟ چه موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها و در جهت دستیابی به برخی از عمده‌ترین موانع توسعه سرمایه‌گذاری در ایران، ناگزیریم در نوشتار حاضر ابتدا برای روشن شدن مساله، مطالب و تعاریفی پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهیم، سپس به عوامل موثر بر

جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تاثیر آن بر کشور میزبان و ... برداریم تا در پایان بتوانیم با درک بهتر موضوع، نتیجه‌گیری نماییم.

## اهداف پژوهش

شناخت برخی مولفه‌های مهم و موثر در توسعه اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی در جهان امروز، شناخت پتانسیل بالقوه ایران در جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی و مهم‌تر از همه کشف و شناخت برخی موانع عمده در توسعه سرمایه‌گذاری خارجی ایران.

## مبانی نظری

در بخش مبانی نظری چون تحقیق حاضر خصلتی اکتشافی دارد، با توجه به موضوع، بیشتر مبتنی و متشکل از آرا و نظرات کلی و تئوریک صاحب نظران کلاسیک و جدید می‌باشد که با توجه به اهداف پژوهش می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود: دسته‌ی اول را می‌توان آرا و نظریاتی که به اهمیت مولفه‌های موثر بر توسعه اقتصادی و جهانی شدن اقتصادی می‌پردازند به حساب آورد که به نوعی ناظر به توصیف وضعیت و چگونگی پیشرفت در جهان کنونی هستند که بیشتر خصلتی انتزاعی و فلسفی دارند و درحقیقت به مثابه زمینه‌های فکری و نظری دولت‌ها و حکومت‌ها در عرصه برخورد با جهان امروز و شناخت تغییرات آن محسوب می‌شوند مثل نظریه جهانی شدن و جهانی شدن اقتصاد که امروزه برای اکثر کشورهایی که به دنبال پیشرفت هستند زمینه تعادل بیشتر و سازنده با جهان کنونی را فراهم می‌آورد و در این خصوص الزامات ورود به جهان جدید را با مولفه‌های مهم و اساسی جهت سیر صعودی در این جهان می‌آموزند.

دسته‌ی دوم که می‌تواند از کلاسیک‌ها تا معاصرین علم اقتصاد و صاحب نظران این عرصه را بسته به نوع نگرش آنها شامل شود و دربرگیرد که علاوه بر بهره‌گیری از تعاریف سرمایه و انواع آن و چگونگی اجرای قوانین مربوط به آنها و روش‌های متعدد و کسب سرمایه خارجی، بیشتر ناظر بر درک و شناخت عوامل و موانع موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری می‌باشند و دلایل و موانع بر سر این راه را تشریح می‌نمایند که لزوماً به باور برخی از آنها از جمله کلاسیک‌هایی چون شومپتر که در این تحقیق آمده است، صرفاً اقتصادی نیستند و ممکن است غیراقتصادی و از قبیل عوامل اجتماعی و سیاسی باشند.

دسته‌ی سوم را می‌توان به نوعی آرا و نظرات نهادها و موسسات بین‌المللی و ژورنال‌هایی دانست که با همان مبانی فکری جهانی شدن اقتصاد بیشتر ناظر به ارائه آمار و ارقام و رتبه‌بندی کشورها به لحاظ موقعیت و رشد اقتصادی و عضویت و عدم عضویت در آن سازمان‌ها و نهادها می‌باشند.

البته این دسته‌بندی‌ها مشخصاً به ترتیب نیامده‌اند و صرفاً جهت ساده نمودن و ادراک بهتر بخش مبانی نظری این مقاله صورت گرفته است که در طول تحقیق آمده‌اند.

## سرمایه‌گذاری خارجی

«سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به کارگیری سرمایه‌های خارجی در یک بنگاه اقتصادی تازه یا موجود پس از گرفتن پروانه سرمایه‌گذاری. سرمایه‌گذاری خارجی به دو شیوه مستقیم (FDI) و غیرمستقیم (FPI) انجام می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری مستقیم به صورت زیر تعریف می‌شود. به نظر UNCTAD<sup>۱</sup>: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌ای که متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس‌کننده و سود مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی بیرون از موطن سرمایه‌گذار باشد» (صفاری، ۱۳۹۰)

اما در تعریفی جامع‌تر می‌توان گفت:

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۲</sup> (FDI)

<sup>۱</sup> United Nations Conference on Trade and Development UNCTAD (1996)

<sup>۲</sup> Foreign Direct Investment

این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، شامل جریان‌های بین‌المللی سرمایه با هدف ایجاد منافع پایدار برای سرمایه‌گذار در شرکت مستقر در یک کشور خارجی به شکل خرید یا ساخت کارخانه یا توسعه امکانات موجود از قبیل دارایی‌ها، کارخانجات و تجهیزات را شامل می‌شود. در این نوع سرمایه‌گذاری، ارتباط بلندمدتی میان سرمایه‌گذار و بنگاه میزبان ایجاد می‌شود و سرمایه‌گذار از نفوذ قابل توجهی در اداره بنگاه برخوردار است. به طور معمول در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذار معادل ۱۰ درصد یا بیشتر از ۱۰ درصد از سهام عادی بنگاه میزبان را دارا است.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

اما رفته رفته ترکیب سرمایه‌گذاری خارجی گسترش یافته و رو به دگرگونی نهاده است تا جایی که شامل بخش‌های بیمه و خدمات و ... نیز شده است.

«به علاوه، این سرمایه‌گذاری‌ها زمینه‌هایی بسیار فراتر از ساخت کالا و استخراج مواد خام را هم زیر پوشش گرفته است. قلمرو فعالیت سرمایه‌ی خارجی، به مقیاس هر روز وسیع‌تری به عرصه‌هایی از قبیل مالیه، اموال غیرمنقول، بیمه، تبلیغات بازرگانی و وسایل ارتباط جمعی، گسترش یافته است.» (مگداف، ۱۳۸۰)

## ۲- سرمایه‌گذاری غیرمستقیم<sup>۱</sup> (FPI)

«منظور از این دسته جریان‌های سرمایه این است که کشور خارجی به صورت خرید اوراق بهادار موسسه و یا شرکت مالی، بدون شرکت مستقیم، به سرمایه‌گذاری پرداخته و سرمایه خود را در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران با انتخاب سبد مالی بهینه از اوراق بهادار شرکت‌های کشور میزبان، سرمایه‌گذاری کرده و انتظار بازده آن را دارند و به همین دلیل، آن را سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی (FPI) هم می‌نامند.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

آنچه مشخص است سرمایه‌گذاری مستقیم برخلاف سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، به مجموعه سرمایه‌پذیر نفوذ می‌کند و به حضور فیزیکی در کشور میزبان نیاز دارد. همچنین از تعریف‌های بالا چنین برمی‌آید که سرمایه‌گذاری مستقیم پایدارتر است و در صورت رکود اقتصادی کشور میزبان نه تنها به راحتی خارج نمی‌شود، بلکه ممکن است در حل بحران مالی نیز مطلوب واقع شوند. اما در عوض ریسک این نوع سرمایه‌گذاری نسبت به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بالاتر است و نمی‌توان درآمد آن را تضمین نمود. دوره این نوع سرمایه‌گذاری به مراتب بیشتر از نوع غیرمستقیم است.

«به طور کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از چند لحاظ به سرمایه‌گذاری عمومی و خریدار اوراق بهادار مزیت دارد.»

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم با حساب دقیق، صرفاً به منظور انتفاع به عمل می‌آید به علاوه در اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خصوصی ممکن است فنون جدید تولید و نظرات روش‌های اداری نوین و مدیریت صنعتی و غیره وارد کشور در حال توسعه شود.

۲- مقداری از منافع حاصله از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مجدداً به منظور افزایش تولید در رشته مربوط و یا صنایع تابعه در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری می‌شود.

۳- منافع سرمایه‌گذاری مستقیم به شکل بهره ثابت به دارندگان سهام و اوراق قرضه پرداخت نمی‌گردد بلکه به صورت سهام از این رو در مواقع بحران و رکود فعالیت‌های اقتصادی تحمیل کمتری بر موازنه پرداخت‌ها خواهد بود.

۴- در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم قیود پرداخت بهره و اقساط وام در فواصل معین وجود ندارد.

۵- سرمایه‌گذاری مستقیم از طرف خارجی در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش ظرفیت تولیدی آنها می‌گردد. در صورتیکه وام‌های خارجی ممکن است به سهولت از مجرای تولیدی خارج گردد.» (برزگر، ۱۳۴۴) «سه نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به منظور دسترسی به منابع اولیه شناسایی و معرفی نموده است. اولین نوع شامل سرمایه‌گذاری‌هایی است که در جستجوی منابع فیزیکی هستند. به عنوان مثال می‌توان از شرکت‌هایی که به دنبال تأمین منابع کم هزینه و تضمین شده مواد خام، منابع نفت و گاز، محصولات کشاورزی و مواد معدنی هستند و یا شرکت‌های فعال در صنعت خدمات آموزشی و بهداشتی و توریسم نام برد. گروه دوم، شرکت‌های هستند که به دنبال نیروی کار نیمه ماهر یا غیر ماهر کم هزینه می‌باشند. این گروه شباهت زیادی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور افزایش کارایی دارند. سومین طبقه، سرمایه‌گذاری، با هدف

<sup>۱</sup> Foreign indirect Investment

کسب دانش، قابلیت ها و تجارب در زمینه هایی از جمله بازاریابی، مدیریت و توسعه و بکار گیری فناوری است. این نوع از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور استفاده از دارایی های استراتژیک به کار می رود» (Danning, 1992).

### روش های کسب سرمایه خارجی

اکثر اقتصاددانان دو روش عمده را که به لحاظ تجربی نیز مورد آزمون قرار گرفته اند جهت کسب سرمایه های خارجی عنوان نموده اند.

۱- وام گیری دولت از کشورها و نهادهای خارجی.

۲- جذب سرمایه های مستقیم.

«کشورهای آمریکایی لاتین بیشتر روش وام گیری را به کار گرفته اند و کشورهای جنوب خاوری آسیا به جذب مستقیم سرمایه های خارجی پرداخته اند.

شکست بیشتر کشورهای گروه نخست و موفقیت بیشتر کشورهای گروه دوم، به این دریافت در سطح جهانی انجامیده که به کار گرفتن سرمایه های خارجی با تکیه بر کارکرد دولت البته به صورت مجری و عامل اقتصادی محکوم به شکست است و در برابر جذب سرمایه های خارجی بر پایه کارکرد آزاد بازار و نظارت دولت، می تواند به موفقیت چشمگیر بیانجامد.» (خرم، ۱۳۹۰)

### عوامل موثر بر جلب سرمایه های خارجی

اگرچه در شناسایی عوامل موثر در سرمایه گذاری در میان محققان اتفاق نظری وجود ندارد. اما به طور کلی می توان عوامل عمده ی موثر بر جلب سرمایه گذاری خارجی را به صورت خلاصه چنین برشمرد:

#### ۱- انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی

«سرمایه گذاری و انتقال سرمایه تابع انگیزه های متعددی از جمله انگیزه های اقتصادی (نظیر سود، اختلال نرخ بهره، نرخ ارز، تورم و ...) انگیزه های مالی (مانند مالیات، و بدهی های خارجی) با انگیزه های فنی (نظیر انتقال تکنولوژی و حق ثبت) است.» (انصاری، ۱۳۷۴)

به لحاظ اقتصادی مهم ترین و اصلی ترین عاملی که موجب جلب سرمایه خارجی به کشور می شود همان عامل سوددهی است و بازدهی مورد انتظار است. البته سود بیشتر مستلزم داشتن نوعی امنیت اقتصادی برای سرمایه گذار است. آزادسازی اقتصادی، شرایط ارتباطی و زیربنایی از عوامل دیگر هستند. به نظر می رسد داشتن انگیزه های اقتصادی و مالی در نهایت به سعادت و رفاه مادی یک ملت می انجامد و کسب این سعادت ملی در گرو کار و ارزش ناشی از آن برمی گردد. به نظر آدام اسمیت "دو عامل در افزایش ثروت یک ملت موثر است: (۱) مهارت نیروی کار، (۲) نسبت کار تولیدی به کار غیرتولیدی. به باور او، کارهای خدماتی به افزایش ثروت مددی نمی رساند.» (فوکو، ۱۳۸۹)

#### ۲- عوامل حمایتی و تشویقی

علاوه بر انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی، سرمایه گذاری تابع عوامل حمایتی نیز است. این عوامل که از یک سو به قوانین گمرکی، قانون کار، بیمه و ... وابسته بوده و از سوی دیگر با کارایی بازارهای مالی و سرمایه و در نتیجه کارایی سیستم اقتصادی در ارتباط است، نه تنها انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی را تقویت می کند بلکه در امر تصمیمات سرمایه گذاری و به ویژه سرمایه گذاری خارجی نقش اساسی ایفا می نماید.» (انصاری، ۱۳۷۴) از طرفی سرمایه گذاری نیاز به تشویق دارد تا انگیزه لازم برای گسترش آن را فراهم نماید. لازم به ذکر است نقش تشویق و حمایت دولتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است. چرا که سرمایه گذاری در اکثر این کشورها نوپاست و نیاز به حمایت دولتی دارند. مثلاً می توان با تاسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، علاوه بر حمایت، سرمایه گذاری خارجی را مورد تشویق قرار داد.

#### ۳- عوامل سیاسی و امنیتی

«علاوه بر عوامل اقتصادی و حمایتی، از دیگر عوامل یا فاکتورهای موثر در جذب سرمایه های خارجی، عوامل سیاسی، امنیتی و مقرراتی می باشند. این عوامل دربرگیرنده محیط سیاسی، حکومتی و امنیتی برای سرمایه های ورودی هستند. بدین معنی که سرمایه های خارجی بیشتر به سوی کشورهای دارای ثبات سیاسی و امنیتی بالا جریان می یابند. برای مثال، یکی از مهم ترین

عواملی که در چند سال اخیر باعث موفقیت هرچه بیشتر کشورهای جنوب شرقی آسیا نسبت به سایر کشورها در جذب سرمایه گذاران خارجی و متعاقباً رشد اقتصادی چشمگیر شده، ثبات سیاسی و امنیتی کشورهای مذکور می‌باشد.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

#### ۴- عوامل مقرراتی

«عوامل مقرراتی موثر در جذب سرمایه‌های خارجی دربرگیرنده‌ی قوانین و مقررات اقتصادی، نظارتی و قوانین و مقررات بازار سرمایه است. امروزه سرمایه‌گذاران توجه خاصی به این عوامل دارند، زیرا عوامل مذکور بیانگر میزان دخالت و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم دولت در سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

در این خصوص می‌توان از تدوین و اجرای قوانین روشن و صریحی صحبت به میان آورد که زمینه‌های دخالت مطلوب دولت را در برطرف نمودن موانع قانونی و حقوقی در مناسبات مالی و پولی- و قوانین مالیاتی و همچنین قوانین حمایتی به منظور تضمین امنیت و در نهایت رونق سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌سازد.

#### ۵- عضویت در سازمان‌های زیربیط

در جهان کنونی که از فرایند جهانی شدن اقتصاد صحبت می‌کنیم بی‌تردید تعامل کشورهای جهان با یکدیگر و به خصوص شرکت و عضویت کشورهای درحال توسعه و میزبان سرمایه‌گذاری خارجی در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای تامین مالی علاوه بر جذب سرمایه‌های خارجی به آشنایی بیشتر این کشورها با نهادها و قوانین حمایت و جذب بین‌المللی سرمایه‌های خارجی و کسب تجربیات سایر ملل می‌انجامد. نمونه‌ی این نهادها عبارتند از:

- صندوق بین‌المللی پول (IMF)

- سازمان تجارت جهانی (WTO)

- موسسه مالی بین‌المللی (IFC)

#### آثار و فواید سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه آثار و فواید مثبت سرمایه‌گذاری خارجی بر کسی پوشیده نیست، به همین دلیل بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای درحال توسعه سعی دارند تا با فراهم نمودن شرایط ورود سرمایه‌های خارجی به توسعه‌ی روزافزون کشور خود کمک نمایند. آثار و فواید مطلوب این نوع سرمایه‌گذاری را در دو دهه‌ی اخیر به طور ملموس حتی با میزان گسترش و رواج آن و تعدد نام‌های آن در اکثر کشورهای درحال توسعه بهتر می‌توان درک نمود.

"در طول دو دهه‌ی اخیر شرکت‌های فراملی با عناوینی چون سرمایه‌گذاری خارجی، بازرگانی بین‌المللی کالا و خدمات، و نیز مروج و تامین کننده تکنولوژی‌های جدید، در ایجاد یک اقتصاد جهانی منسجم‌تر نقش بسیار مهم و فزاینده‌ای به عهده داشته‌اند." (لکراو، ۱۳۷۳)

«سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال تکنولوژی توسط شرکت‌های فراملی، می‌تواند در ابعاد مختلف بر روی یک ملت تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد. تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد کار، افزایش صادرات و واردات، موازنه پرداخت‌ها، رشد تکنولوژی ملی و ظرفیت کار و افزایش قدرت رقابت و رشد موسسات و شرکت‌های داخلی شرکت‌های فراملی همچنین می‌توانند بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهایی که در آنها فعالیت می‌کنند تاثیر بگذارند. هدف کلی کشورهای میزبان در رابطه با شرکت‌های فراملی این است که با تنظیم سیاست‌ها و تدوین سیستم‌های ترویجی و تنظیم و اجرای آنها، سود خالصی را که از سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی و سایر فعالیت‌های این شرکت عاید کشور می‌گردد به حداکثر برساند. اثرات شرکت‌های فراملی بر کشور میزبان، به عوامل چون:

وضعیت محیط اقتصادی کشور میزبان، محیط اقتصادی بین‌المللی، صنایعی که این شرکت‌ها در آن فعالند، کشور متبوع شرکت‌های فراملی، اهداف و مقاصد آنها و سیاست‌ها و روش‌های عملیاتی آنها بستگی دارد.» (لکراو، ۱۳۷۳)

البته در این راستا باید پذیرفت که فقط کشورهای میزبان از این رابطه سود نمی‌برند بلکه این رابطه دوجانبه است. «رابطه‌ی بین کشورهای درحال رشد میزبان و شرکت‌های فراملی دارای دو خصیصه است. خصیصه اول عبارتست از: نفع متقابل و نیاز متقابل. از یک سو مقصود کشور در حال رشد میزبان این است که عملیات شرکت فراملی تا حد اکثر ممکن به حصول اهداف رشد کمک نماید. از سوی دیگر شرکت‌های فراملی می‌خواهند از این طریق عملیات خود در کشور میزبان بازده کلی خود را به حد اکثر برسانند. از این دیدگاه مقاصد کشورهای درحال رشد میزبان و شرکت‌های فراملی نسبت به یکدیگر متقارنند. یعنی هر دو درصددند تا منافع خود را از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری، و انتقال تکنولوژی به حد اکثر برسانند. پس رابطه بین کشورهای درحال رشد میزبان و شرکت‌های فراملی از این لحاظ درست مانند رابطه طرفین همه معاملات است که در آن هر دو طرف سعی می‌کنند منافع خود را تا حد اکثر ممکن بالا می‌برند.» (لکراو، ۱۳۷۳)

اما به هر ترتیب باید پذیرفت که داشتن یک استراتژی مناسب اقتصادی در جذب و تامین منافع بیشتر موثر است. یکی از این رویکردها بر پایه رشد از طریق صادرات است که اتفاقاً اجرای آن با موفقیت همراه شده به طوری که کشورهای مجری این استراتژی را به الگوهای خوبی برای کشورهای درحال توسعه دیگر تبدیل نموده است.

«در دهه‌ی گذشته، بسیاری از کشورهای در حال توسعه سعی کرده‌اند به تقلید از سیاست‌های اقتصادی موفق کشورهایی چون کره، استان تایوان چین، سنگاپور و هنگ کنگ، استراتژی اقتصادی خود را بر پایه رشد از طریق صادرات استوار سازند و در این راه به توسعه بازار برای تولیدات خود و وضع محدودیت‌های سخت گیرانه‌ای در جهت تامین موازنه پرداخته‌هایشان همت بگذارند. این کشورها برای پیشبرد سیاست رشد از طریق صادرات خود، باید به تکنولوژی نهاده و فرآوری، مهارت‌های مدیریتی، و بازارهای بین‌المللی دسترسی داشته باشد.» (لکراو، ۱۳۷۳)

اگر بخواهیم به صورت خلاصه و موردی، آثار و فواید سرمایه‌گذاری خارجی را برشماریم می‌توانیم موارد بسیاری را بیاوریم، اما مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- انتقال منابع انرژی ارزی به کشورهای میزبان
- ۲- رشد و توسعه اقتصادی کشور
- ۳- افزایش اشتغال و گسترش سرمایه انسانی
- ۴- انتقال تکنولوژی‌های تازه. (خرم، ۱۳۹۰)

#### سیاست‌گذاری اقتصادی و تاثیر آن بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

هر قدر که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، در جهت ایجاد فضای باز و باثبات اقتصادی باشد، امنیت سرمایه نیز به همان میزان تضمین خواهد شد. پس به عبارت دیگر می‌توان گفت بین ثبات اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارتباط مستقیم وجود دارد. اما ثبات اقتصادی پیش شرط مهمی دارد و آن ثبات سیاسی به خصوص در بخش سیاست‌گذاری اقتصادی - سیاسی دولت‌های و حکومت‌هاست.

«در گزارشی از سازمان ملل متحد نیز که در سال ۱۹۷۶ منتشر شده، آمده است که کشورهای درحال توسعه برای توفیق در جذب سرمایه‌های خارجی باید برای انجام تغییرات بنیادی در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی اقدام کنند. اما بسیاری از کشورهای درحال توسعه فاقد اراده یا اقتدار و توان یا ظرفیت لازم برای انجام تغییرات موثر نهادی و اجتماعی‌اند. ثبات سیاسی یکی از شرایط لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی است. رشد و توسعه اقتصادی کره جنوبی پس از برقراری ثبات سیاسی داخلی از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. تا این تاریخ کره درگیر جنگ‌های خارجی و داخلی بود. کره پس از رهایی از اشغال ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم، گرفتار جنگ‌های داخلی (۵۳-۱۹۵۰) شد. علاوه بر آن، فقر و تورم در کشور بیداد می‌کرد. طبیعی است که در چنین شرایطی هیچگونه انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی وجود نداشت.

پس از آن کره از نظر امنیتی زیر چتر نظامی آمریکا قرار گرفت. علاوه بر آن سیل کمک‌های اقتصادی آمریکا به کره سرازیر شد. کره با استفاده از عوامل مذکور توانست به رشد و توسعه اقتصادی شگفت‌انگیزی دست یابد. کمک‌های اقتصادی آمریکا به طور کلی نقش مهمی را در تامین بقای سیاسی رژیم کره جنوبی و تحولات اقتصادی آن ایفا کرده است. در واقع، کره جنوبی

یکی از بزرگترین دریافت کنندگان کمک‌های خارجی در جهان بوده است. ایالات متحده به تنهایی در سال‌های ۶۷-۱۹۴۶ معادل ۱۲/۶ میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی به کره جنوبی اعطا کرده است.

ثبات سیاسی در سنگاپور نیز یکی از عوامل اصلی جذب سرمایه‌های خارجی در این کشور بوده است. صلح و آرامش سنگاپور سبب شده بود که بریتانیا آن را سنگر تسخیرناپذیر اقیانوس هند لقب دهد. سرمایه معمولاً از بی ثباتی بیزار است و به محل‌هایی می‌رود که از امنیت و ثبات سیاسی برخوردار باشد.» (انصاری، ۱۳۷۴)

#### نمونه‌ی دیگر:

«وجود ثبات سیاسی در تایلند و موقعیت استراتژیک آن در جنوب شرقی آسیا، خوشنامی این کشور در مورد اقدام به قراردادهای اقتصادی و بازرگانی، وجود مسائل و امکانات زیربنایی مناسب‌تر نسبت به سایر کشورهای عضو آن وجود بازار بزرگ مصرفی در حال رشد، از جمله انگیزه‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران خارجی بوده است. همچنین اقدام دولت تایلند در احداث یک منطقه جدید صنعتی در سواحل شرقی کشور، موقعیت‌های مناسبی را برای جذب سرمایه و تکنولوژی به کشور فراهم آورده است. در جریان جنگ ویتنام، تایلند یکی از مراکز عمده نیروی هوایی آمریکا به شمار می‌رفت. بعد از خاتمه‌ی جنگ و برقراری آرامش در جنوب شرقی آسیا، تایلند نیز از ثمرات آن بی‌نصیب نماند. وجود ثبات سیاسی در کشور طی دو دهه‌ی اخیر، موجب شده تا سرمایه‌های خارجی با سرعت بیشتری روانه تایلند شوند.

#### نمونه‌ی دیگر:

مالزی تا اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ فاقد ثبات سیاسی بود. این امر ناشی از فقر و اختلافات نژادی از نظر سطح زندگی و فرصت‌های شغلی بود. اکثریت جمعیت مالزی را مسلمانان تشکیل می‌دهند که از نظر اقتصادی فقیرند. برعکس اقلیت چینی مالزی از نظر اقتصادی ثروتمندند. از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ دولت مالزی بر این مشکلات غلبه کرد و این امر به دولت امکان داد تا سیاست‌های اقتصادی جدیدی را به مورد اجرا گذارد. هدف این سیاست‌ها کاهش فقر و بهبود سطح زندگی مردم از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی مساوی بود. به عنوان مثال، دولت در برنامه‌های پنج‌گانه خود، توسعه اقتصادی را با یک دید جامع اقتصادی مورد توجه قرار داده است. در این برنامه‌ها تاکید عمده بر از بین بردن فقر و تجدید ساختار جامعه بوده است. انجام اصلاحات ساختاری مذکور شرایط لازم را برای ورود سرمایه‌های خارجی به این کشور فراهم آورده است.» (انصاری، ۱۳۷۴) از دیگر نمونه‌های موفق می‌توان به: تایوان، ترکیه و برزیل اشاره کرد.

#### وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیز اواخر سده‌ی نوزدهم آغاز شده است. سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و بهره‌برداری از شیلات شمال در جست‌وجوی منابع طبیعی از اولین اقدامات در این زمینه بوده است.

«تامین سرمایه‌ی خارجی در ابتدای سال ۱۸۷۲ و هنگام واگذاری امتیاز حق تاسیس بانک، اوراق قرضه و حفاری (به استثنای سنگ‌ها و فلزهای قیمتی) با بارون ژولیوس دوریتر به اقتصاد ایران نفوذ کرد. در سال ۱۸۸۸، شعبه‌ای از بانک همکاری اورینتال (با اداره مرکزی در لندن) دفاتری در چند شهر ایران دایر کرد. رویتر با سرمایه ۱/۰۰۰/۰۰۰ پوند در سال ۱۸۸۹، بانک شاهی ایران را تاسیس کرد» (معدل، ۱۳۸۲)

همچنین در زمینه صنعت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران می‌توان به اقداماتی در زمینه توسعه صنعت کشاورزی و امکانات زیربنایی و مالی با هدف تامین سرمایه اشاره کرد.

«نخستین اقدام از این نوع، ایجاد چهارچوب قانونی حفظ سرمایه داخلی و خارجی بود. در سال ۱۹۵۵، قانون مربوط به جذب و حفاظت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وضع شد، که در ماده ۳ آن آمده بود: «چنانچه هرگونه سرمایه‌ای طبق قانون مشخص جلب شود، دولت تضمین می‌کند که مقدار خسارت را بپردازد» علاوه بر ضمانت سرمایه‌گذاری، موافقتنامه‌هایی با ایالات متحده (۱۹۵۷) و آلمان (۱۹۶۱) به مواردی بیش از بیان صرف حسن نیت دولت کشیده شد. دومین اقدام، تامین امکانات زیربنایی از قبیل احداث جاده، بنادر و فرودگاه‌ها و ایجاد صنایع سنگین بود سومین گام، تامین دولتی امکانات زیربنایی مالی با هدف



تامین سرمایه برای پروژه‌های صنعتی بود. این عامل نیز در تعیین سمت و سوی توسعه صنعتی در ایران بسیار حیاتی بود.» (معدل، ۱۳۸۲)

با اینکه پیامدها و آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خوبی روشن است. اما هنوز برخی از کشورهای در حال توسعه نتوانسته‌اند زمینه‌های مناسب جذب این نوع سرمایه‌ها را فراهم نمایند. متأسفانه ایران نیز به دلایلی متعدد داخلی و خارجی در این زمینه موفقیتی چشمگیر نداشته است.

«به طوری که مطابق آمارهای رسمی منتشر شده از سوی آنکتاب در سال ۲۰۰۶، خالص ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از حدود ۵۴۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است. همچنین سهم ایران از خالص ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و خاورمیانه هرکدام به ترتیب از ۰/۰۷ درصد و ۱۱/۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۰/۰۳ درصد و ۰/۲۱ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است. آنچه مسلم است ایران به لحاظ شاخص جذب سرمایه خارجی جایگاه چندان مطلوبی را در سطح جهان و منطقه کسب نکرده است.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

یک واقعیت در ایران یا هر کشور در حال توسعه دیگر که باید موردنظر قرار گیرد. همان جهانی شدن اقتصاد است که بدون توجه به این مساله جذب سرمایه ممکن نیست. درحقیقت امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که پیش شرط حضور فعال و پویای ما منوط به پذیرفتن الزامات آن است. ثبات سیاسی و ایجاد فضای امن اقتصادی جهت رفع کمبود منابع مالی در اولویت است.

امنیت لازمی ماندن و پویای سرمایه و سرمایه‌گذاری است و امنیت سرمایه‌گذاری تابع انواع قوانین و مقررات، شفافیت در بازارهای کالا، پول کار و سرمایه و شفافیت در فضای سیاسی و سیاست خارجی است.

باز بودن اقتصاد، آزادسازی اقتصادی، توانایی صنعتی و تکنولوژیک، شرایط ارتباطی و زیربنایی داشتن مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، پشتیبانی و حمایت از سرمایه‌های داخلی و خارجی و ... از عوامل دیگری هستند که می‌توانند در بالا بودن ضریب امنیت اقتصادی جهت جذب سرمایه‌گذاری و کاهش درجه ریسک‌پذیری اقتصادی موثر باشند. درجه ریسک‌پذیری توسط نهادهای بین‌المللی با استفاده از شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی هر کشور تعیین می‌شود. متأسفانه ایران به لحاظ ریسک سرمایه‌گذاری کشور پرخطر و با درجه ریسک بالاست و کشورهایی چون هنگ کنگ و سنگاپور از کم ریسک‌ترین کشورها محسوب می‌شوند. با این اوصاف پرسش اینست که با وجود پتانسیل ایران جهت جذب سرمایه‌های خارجی چرا ایران همواره سهم اندکی از میزان جلب و جذب سرمایه‌های خارجی را داراست؟ چه موانعی در این مسیر وجود دارد؟

### موانع عمده جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

هیچنان که در جریان رشد و توسعه همه جانبه هر کشوری یک عامل به تنهایی کارساز و موثر نیست در بحث و بررسی موانع و مشکلات توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیز نباید فقط یک عامل را موثر دانست، بلکه موانع متعددی را می‌توان طرح نمود. اگرچه برخی از کارشناسان بر موانع اقتصادی و برخی دیگر بر موانع سیاسی، حقوقی یا فرهنگی تأکید دارند اما این به معنای نادیده گرفتن عوامل دیگر نیست.

در تبیین بهتر این مطلب که عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند دکتر بشیریه در بخشی از کتاب موانع توسعه سیاسی ایران چنین می‌گویند:

«بی شک مجموعه‌ای از عوامل تعیین کننده داخلی و عوامل تشدید کننده خارجی در واپس ماندگی اقتصادی ایران و عدم پیدایش فرایند انباشت سرمایه موثر بوده‌اند. عدم پیدایش تحول اساسی در ساختار نیروها و روابط تولید در ایران قدیم بی شک باید ناشی از مجموعه‌ای از عوامل به ویژه شیوه تولید آسیای شرقی، عدم استقلال طبقات اجتماعی، عدم پیدایش نیروهای نوساز و اختلال اساسی و متناوب در فرایند انباشت سرمایه و سرانجام عدم وقوع تحولی ایدئولوژیک. (به شیوه اخلاق پروتستانی در غرب) بوده باشد» (بشیریه، ۱۳۸۲)

از نظر علمای اقتصادی نیز، کلاسیک‌هایی چون شومپیتر معتقدند: دلایل عدم رشد و توسعه اقتصادی را نباید صرفاً در عوامل اقتصادی جست و جو کرد.

«در بررسی شومپیتر از اقتصاد سرمایه‌داری، عوامل اقتصادی سبب جلوگیری از توسعه اقتصادی نیستند. بلکه عدم رشد و توسعه اقتصادی را باید در عوامل غیراقتصادی از قبیل عوامل اجتماعی و سیاسی جستجو کرد. وی معتقد است اقتصاد سرمایه‌داری با مقتضیات خاص خود در مراحل پیشرفته و صنعتی به وجود می‌آورد که آن وضع و حالت بصورت مانع و رادع در مقابل کارفرما جلوه می‌کند. از یک طرف میل به ایجاد سازمان‌های عظیم و بزرگ عملیات کارفرمایی و ابداع را متوقف می‌کند و از طرف دیگر پیشرفت و افزایش قدرت اتحادیه‌های کارگری و ازدیاد مداخلات دولت (تشکیلات مزاحم و مالیات‌های غیرمنطقی و غیره) به نوبه خود مانع عملیات کارفرمایی می‌شود. به نظر شومپیتر این جریان‌ها و سایر نیروهای اجتماعی و سیاسی ملاً سبب زوال سیستم سرمایه‌داری قدیم می‌گردد.» (نصر اصفهانی، ۱۳۶۲)

با در نظر گرفتن این مطلب مهم می‌توان موانع عمده توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را چنین برشمرد. مشکل جوامع در حال توسعه ذاتی آن‌ها نبوده «بلکه بیشتر ناشی از فقدان مجموعه نهاد‌های نوین، ساز و کارهای تنظیم‌کننده و یا احکام و قواعد هنجاری برای اداره نظام‌های اجتماعی، نیز فقدان ظرفیت برای رفع اختلافاتی بود که در سیاست‌های آن‌ها بروز می‌کرد.» (جهانبگلو، ۱۳۸۱)

#### الف) موانع حقوقی:

شاید بتوان موانع حقوقی موجود در ایران را مهم‌ترین موانع جذب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی به حساب آورد چرا که قوانین به جای اینکه شرایط سرمایه‌گذاری در ایران را روشن و تسهیل نمایند، مبهم‌اند و با شرایط سختی همراهند. به همین خاطر سرمایه‌گذار یا هرگز موفق به سرمایه‌گذاری نمی‌شود یا با سختی‌های زیادی روبه‌رو می‌شود که خود به عنوان یک عامل مهم بازدارنده از سرمایه‌گذاری سائرین خواهد شد. وجود قوانین دست و پاگیر حقوقی و قانونی به خصوص برای سرمایه‌گذاری خارجی محدودیت‌های جدی در این زمینه ایجاد نموده است. از جمله این قوانین که در قانون اساسی آمده می‌توان به چند اصل (۷۷، ۸۱، ۱۳۹) اشاره نمود. نقش دولت‌ها در جهت توسعه اقتصادی با ایجاد ساختار مناسب از جهت حقوقی موثر خواهد بود و این به معنای، داشتن زیرساخت‌هایی مطلوب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. وقتی از جهانی شدن اقتصاد و ضرورت آن در اقتصاد صحبت می‌کنیم و هدفمان ورود به این وادی توسعه طلبانه است، چگونه می‌توانیم قواعد و الزامات آن را نپذیریم؟

عنوان نمونه اصل ۸۱ قانون اساسی، تصریح می‌نماید: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است.»

به نظر بسیاری صاحب نظران وجود چنین قوانینی مانع جدی بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. حتی در بخش خصوصی نیز چنین نیست با اینکه دست کم به نظر می‌رسد باید دخالت دولت در این بخش کم باشد. مثلاً در توضیح بخش خصوصی اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است:

«بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.»

ملاحظه می‌شود که این اصل بخش خصوصی را نه یک بخش مستقل از دولت که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی می‌داند. در چنین شرایطی آیا بخش خصوصی به رسمیت شناخته می‌شود؟ یا خود در انحصار دولت است و مانع فعالیت بازرگانان و سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود؟ اگرچه براساس قانون، سرمایه‌گذاری خارجی در صنایعی جایز است، اما این صنایع حتماً باید امکان فعالیت در بخش خصوصی را داشته باشند.

همچنین است موانع قانونی و حقوقی دیگر از جمله اصل ۱۳۹ که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع آن به داوری را در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد، را به جای داوری تجاری بین‌الملل و پیروی از قواعد بین‌الملل و اصول و مقررات تجارت بین‌الملل منوط به تصویب هیئت وزیران و مجلس می‌داند. این موانع به موانع قانونی موجود در قانون اساسی منحصر نمی‌شود بلکه موانع حقوقی موجود در سایر قوانین و آیین‌نامه‌ها را مثل قانون کار، نظام مالیاتی، قوانین تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و ... را نیز شامل می‌شود.

#### ب) موانع اقتصادی:

در فضای باز اقتصادی می‌توان منتظر سرازیر شدن خیل سرمایه‌های خارجی به سمت کشور بود. در غیراینصورت مسیر سرمایه‌های خارجی به سمت و سوی دیگری تغییر خواهد یافت. موانع اقتصادی در ایران متأسفانه مانع ورود این سرمایه‌ها به کشور است.

همچنین است نبود بستر مناسب جهت اجرای قانونی خصوصی سازی در کشور که با عدم پس‌انداز و سرمایه کافی در بخش خصوصی و عدم مشارکت سرمایه‌گذاران مواجه شده است.

«بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی به اقتصادی باز نیازمند است و ساختار کنونی اقتصاد ایران در جهت عکس آن است یعنی اقتصادی بسته، هرچند اقداماتی در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور صورت گرفته شده اما این امر بدون تغییر نظام اقتصادی کشور بازدهی چندانی نخواهد داشت.» (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰)

به این مسائل باید گسترش بیش از حد بدنه دولتی، زیر ساختارهای فیزیکی مناسب، فقدان حمایت‌های لازم از سرمایه‌گذاران به خصوص سرمایه‌گذاران خارجی، عدم شفافیت قوانین اقتصادی و فضای ناامن اقتصادی و ... را اضافه نمود.

### ج) موانع فرهنگی و اجتماعی

متأسفانه در ایران به دلیل داشتن سبقه‌ی تاریخی منفی در امر سرمایه‌گذاری همواره این موضوع با نوعی نگرش اخلاقی و ارزشی همراه بوده است به گونه‌ای که حتی پس از گذشت سال‌ها از تجارب تلخ تاریخی هنوز این نگرش وجود دارد. البته دخالت و تبلیغات دولتمردان نیز باتوجه به کارکرد سیاسی آن در تشدید این بیزاری موثر بوده است. و به نظر می‌رسد تا زمانی که این نگرش منفی پالایش نشود این ذهنیت منفی به طور کامل رخت نخواهد بست.

### د) موانع سیاسی

موانع سیاسی را می‌توان به دو بخش موانع سیاسی داخلی و خارجی تقسیم نمود. درباره‌ی موانع سیاسی داخلی همچنان که گفتیم می‌توان مستقیماً به عدم ثبات سیاسی که عدم ثبات اقتصادی را در پی خواهد داشت اشاره نمود. مادامی که دستگاه سیاسی به ثبات در تصمیم‌گیری و اجرا نرسد و امنیت و آرامش لازم را جهت رونق کسب و کار اقتصادی فراهم نسازد، هرگز نباید منتظر ورود سرمایه‌های خارجی به کشور شد. چرا که قانون نانوشته تجارت و سرمایه‌گذاری می‌گوید سرمایه به جایی می‌رود که امنیت حاکم باشد و امنیت اقتصادی مستلزم امنیت و ثبات سیاسی است. تجربه نیز نشان داده کشورهای که دارای سیاست داخلی و خارجی پر تنش هستند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناموفقند. چون که ریسک سرمایه‌گذاری در این گونه کشورها بالاست و هرچقدر درجه ریسک بالا باشد میزان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. در مورد موانع سیاسی خارجی نیز می‌توان به تحریم‌ها و محدودیت‌هایی اشاره نمود که در سطح بین‌المللی ممکن است برای انزوای یک کشور صورت گیرد که البته این موضوع فارغ از درست یا غلط بودن آن ممکن است ریشه در جهت‌گیری‌های سیاسی داخلی و خارجی آن کشور داشته باشد. تحریم‌های سیاسی می‌تواند به نوعی رکود یا دست کم اختلال منجر شود. نمونه این نوع تحریم‌ها که اخیراً درباره ایران صورت گرفت به سرعت معادلات بازار سرمایه را دچار اختلال کرد و فعالان این عرصه را دچار سردرگمی کرد. به عنوان نمونه انعکاس این موضوع را می‌توان از گزارش‌های لحظه‌ای و سرشار از تردید مطبوعات دریافت: دنیایی اقتصادی می‌نویسد: «در کنار خوش‌بینی‌هایی که رشد قیمت ارزه برای سهامداران بورس تهران و سودآوری شرکت‌ها به ارمغان آورده است، ریسک‌های پیرامونی به ویژه در مورد تحریم‌های غرب علیه کشورمان، سایه‌ای از تردید در رابطه با مشکلات احتمالی در خصوص تبادلات ارزی شرکت‌ها را ایجاد کرده است.

به همین دلیل، بازار سرمایه در شرایط فعلی در یک دو راهی مهم و تعیین کننده قرار گرفته است، به این ترتیب در صورتی که سرمایه‌گذاران از عدم وجود اشکال در عملیات ارزی شرکت‌های صادر کننده اطمینان یابند، چشم انداز رشد تصاعدی سودآوری شرکت‌ها می‌تواند بورس را با یک رونق غیرمنتظره مواجه سازد.

از سوی دیگر، در صورت هرگونه اخلاص در این روند که به معنای ایجاد مشکل فروش یا وصول مطالبات ارزی برای بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود، بازار در معرض یک عامل نگران کننده دیگر و موج کاهش جدی قیمت سهام قرار می‌گیرد. از این منظر،

می‌توان گفت واقع شدن بر سر این دو راهی رونق یا رکود، ریسک فعالیت در بازار سهام را به سطح بالایی سوق داده است.» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰)

اما در این خصوص می‌توان به نکته‌ای مهم اشاره کرد که معمولاً مغفول واقع می‌شود و آن مساله بازگشت ناگهانی سرمایه‌های خارجی است.

یعنی ممکن است برخی از سرمایه‌های خارجی جذب شده که بیشتر به صورت خرید اوراق بهادار موسسه و یا شرکت مالی مطرح است بازگشت نماید.

«البته شایان ذکر است که مساله بازگشت ناگهانی سرمایه و پیامدهای ناشی از آن بیشتر در مورد ورود کوتاه مدت و گذری سرمایه‌های خارجی است. در بازگشت ناگهانی سرمایه‌های خارجی، تقاضا برای ارز به یکباره افزایش خواهد یافت که فشارهای روبه بالا برای افزایش نرخ ارز را در پی دارد. در نظام ارزی ثابت یا شناور مدیریت شده، بانک مرکزی می‌بایست به منظور جلوگیری از افزایش شدید نرخ ارز اقدام به فروش ارز از محل ذخایر ارزی نماید. این امر از یک طرف باعث کاهش ذخایر ارزی و از طرف دیگر، باعث کاهش حجم پول و نقدینگی موجود در جامعه می‌شود. لذا کاهش حجم پول منجر به افزایش نرخ بهره در بازار پول و در نتیجه افت شدید قیمت دارایی‌های مالی به ویژه قیمت سهام (باتوجه به رابطه معکوس نرخ بهره و قیمت دارایی‌های مالی خواهد شد.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

اما این خروج ناگهانی پیامدهایی را به همراه خواهد داشت. «به طور کلی خروج ناگهانی و یکباره سرمایه خارجی از کشور پیامدهایی چون کاهش ناگهانی ذخایر ارزی بانک مرکزی و ایجاد بحران مالی، افت شدید قیمت دارایی‌های مالی، بروز بحران در ترازپرداخت‌ها و ایجاد فشارهای رو به بالا برای افزایش شدید نرخ ارز را در پی دارد. به عبارتی ورود موقتی و زودگذر سرمایه‌های خارجی و خروج ناگهانی و یکباره آن منجر به بروز عدم تعادل‌های شدید در اقتصاد کلان و ایجاد شرایط بی ثباتی و نااطمینانی اقتصادی خواهد شد که اقتصاد ملی را از این منظر به شدت آسیب‌پذیر خواهد ساخت.» (برخورداری، ۱۳۸۶)

به هر حال آنچه مسلم است صرفاً ورودی سرمایه خارجی کافی نیست بلکه افزایش و حفظ و نگهداری آن مهم‌تر است که این مهم باتوجه به مسائلی که گفته شد سیاست‌های راهبردی مناسب با در نظر گرفتن مسائل و ملاحظات جهانی را می‌طلبد.

### روش پژوهش:

«باتوجه به خصلت اکتشافی مقاله می‌توان پژوهش حاضر را به لحاظ هدف از نوع اکتشافی - کاربردی دانست که از نظر روش تحقیق براساس روش کتابخانه‌ای - اسنادی انجام گرفته است. و اگرچه بالقوه قابلیت رویکرد کمی به موضوع را دارد اما نگارنده بیشتر وجه کیفی و اکتشافی آن را مدنظر داشته و حتی وجه کاربردی آن نیز در این راستا و مبتنی بر آرا و نظریات تئوریک می‌باشد. بنابراین برخلاف روش کمی از الگوی کلی خطی یعنی نظریه، فرضیات، عملیاتی کردن، نمونه‌گیری، گردآوری داده‌ها، تفسیر داده‌ها، ارزیابی اعتبار پیروی نمی‌کند.» (فلیک، ۱۳۸۸)

### یافته‌ها

دستیابی به آثار و پیامدهای مطلوب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستلزم هماهنگی زیرساخت‌ها و ساختارهای اقتصادی و صنعتی و سیاسی و فرهنگی با اهداف کلی و الزامات اقتصاد جهانی است. در این تحقیق برآن شدیم تا با ذکر مقدمات و تعاریف نظری به تحقق اهداف پژوهش از جمله پاسخ به مهم‌ترین آنها که نوعی ناظر به موضوع اصلی نیز هست دست یابیم و آن شناخت موانع عمده توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بود که در این راستا می‌توان اهم این موانع را که قبلاً توضیح داده شد پس از بیان لزوم ضرورت و چگونگی جلب سرمایه‌های خارجی باتوجه به نمونه‌های موفق جهانی به ترتیب برشمرد. موانع حقوقی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی و اجتماعی و موانع سیاسی و ... بنابراین پس از شناخت موانع باید در جست و جوی راه‌هایی بود که جذب سرمایه‌های خارجی را در بهترین حالت ممکن سازد. برخی از این راهکارها عبارتند از:

- بسترسازی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و ایجاد یک باور ملی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- استفاده از تجارب کشورهای موفق در امر توسعه همه جانبه به طور عام و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی به طور خاص

- با ایجاد امنیت اقتصادی، دخالت مطلوب دولت در فراهم نمودن زمینه‌ها و زیرساخت‌های لازم در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی.
- تقویت بخش خصوصی و کارآمدی قانونی مالکیت خصوصی
- محدود شدن دخالت دولت پس از جذب سرمایه‌ها در حد نظارت معطوف به حمایت و پشتیبانی و همچنین جلوگیری از رانت و رانت‌خواری
- تدوین و اجرای قوانین حمایتی و تشویقی از سرمایه‌گذاری خارجی
- گسترش مراکز علمی و پژوهشی و پشتیبانی از تولیدکنندگان و کارآفرینان
- حضور موثر و فعال ایران در کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص.

### نتیجه‌گیری

مسئله رشد اقتصادی هدف مطمئن یک اقتصاد پویاست. بر همین اساس تحقق همچنین هدفی نیازمند تامین مالی و سرمایه کافی است. جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند روشی موثر و کارآمد در این زمینه محسوب شود. بررسی‌های به عمل آمده بین‌المللی نیز بیانگر این نکته است که امروزه بیشترین حجم تامین منابع مالی در سطح جهان به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اختصاص دارد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری خارجی به خصوص در کشورهای در حال توسعه به تقویت نیروهای مولد و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی نیز می‌انجامد.

اما جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند بسترسازی مناسب در زمینه‌های نهادی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... است. اهمیت این موضوع بیشتر برای کشورهای در حال توسعه زمانی آشکار می‌شود که خواسته یا ناخواسته در فرایند جهانی شدن اقتصاد قرار گرفته‌اند و در حال ایفای نقش مطلوب یا نامطلوب‌اند. ایران نیز از این حیث مستثنی نیست، از طرفی نیازمند منابع مالی خارجی است، و از طرفی برای جذب این سرمایه‌ها نیازمند فناوری و تکنولوژی. جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی زمینه انتقال این تکنولوژی را در کنار تربیت نیروی کار مولد، ماهر و متخصص فراهم می‌سازد.

متأسفانه هنوز شرایط لازم و کافی در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با موانعی روبه‌روست. موانع سیاسی و اقتصادی - حقوقی و ... اگرچه همه‌ی این موانع بیانگر این نکته‌ی مشترک هستند. «اینکه سرمایه‌گذاری در ایران با پتانسیل بالایی که دارد ریسک است» اما این نکته سراسر ناامید کننده نیست. به شرطی که بتوان درجه ریسک‌پذیری آن را به صفر یا حداقل رساند. به طوری که امنیت اقتصادی را تضمین نماید و این امر میسر نخواهد شد مگر با مرتفع نمودن موانع، موانعی چون فقدان نظام‌های پولی و مالی، قانون مالیات و ...

در پایان باید اذعان کنیم که طرح مشکلات و موانع و حتی ارائه راهکارها به تنهایی کافی نیست بلکه توفیق در این راه نیازمند عزم و اراده ملی و حمایت و پشتیبانی دولت با هدف توسعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است.

چین، هند، مالزی و ... نمونه‌هایی موفق هستند که مسیر توسعه خود را باور کرده‌اند. ایران نیز باید پتانسیل بالای خود را برای توسعه‌ی همه جانبه باور کند.

## منابع فارسی

- انصاری، احمد رضا، ۱۳۷۴، سرمایه‌های فیزیکی خارجی و روش‌های جذب آن، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول.
- برخوردار، سجاد، ۱۳۸۶، سرمایه‌گذاری خارجی در سید مالی FPI. تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول
- بشریه، حسین، ۱۳۸۲، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو، چاپ چهارم
- برزگر، صادق، ۱۳۴۴، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال پیشرفت. تهران، چاپ اکونومیست.
- جهانگل، رامین، ۱۳۸۱، موج چهارم. ترجمه گودرزی، منصور: تهران، نی، چاپ اول
- حبیب‌زاده قره تپه، محسن، ۱۳۹۰، کارکرد و سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای میزبان، فصلنامه پژوهشی (اطلاعات سیاسی، اقتصادی)، شماره ۲۸۴، ۲۶۲-۲۷۵
- خرم، زهره، ۱۳۹۰، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه پژوهشی (اطلاعات سیاسی، اقتصادی) شماره ۲۸۳، ۱۵۹-۱۴۸
- دنیای اقتصاد، شماره ۲۵۴۸، ۱۳۹۰/۱۰/۱۵، گروه بورس
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، ۱۳۸۲، توسعه و نابرابری، تهران، مازیار، چاپ اول
- صفاری، ۱۳۹۰ روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه پژوهشی (اطلاعات سیاسی و اقتصادی)، شماره ۱۷۱-۱۶۰
- فوکو، میشل ۱۳۸۹ دانش و قدرت، ترجمه ضمیران، محمد، تهران، هرمس، چاپ پنجم
- لکراو، دونالد، ۱۳۷۳، تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ترجمه رهبری، غلامحسین، تهران، موسسه چاپ و انتشارات
- مگداف، هری، ۱۳۸۳، جهانی شدن با کدام هدف؟ ترجمه زرافشان، ناصر، تهران، آگاه، چاپ دوم
- معدل، منصور ۱۳۸۲، طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران، ترجمه کسرایبی، محمدسالار، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)، چاپ اول
- نصر اصفهانی، اسدالله، ۱۳۶۲، نقش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی، تهران، موسسه مطبوعاتی فرخی

## منابع انگلیسی

- Danning, john H.(1992), The global economy , Domestic Governance, Transnational coporations.